



حجة الاسلام والمسلمین  
محمد ری شهری

فرازهائی از:

# سَبِّیَّتُمْ قَضَائِیْ سَلَامٍ

## قضاوت و سیاست

ندارد بلکه به گفته امام علی (ع) معیار و ملاک عدالت است (۱) و بهترین روش سیاسی برای ادارهٔ یک جامعهٔ سیاسی است که بر اساس عدالت باشد. (۲)

سیاست باین معنی از نظر اسلام شرط رهبری و امامت است، یعنی امام علاوه بر شرایط دیگر امامت، باید یک سیاستمدار به تمام معنا باشد.

و اما معنای متداول و رسمی سیاست عبارت است از دوز و کلک، و حيله و حقه و نیرنگ برای تثبیت حکومت.

سیاست به این معنا است که با عدالت منافات پیدا می‌کند چراکه گاه مصالح سیاسی حکومت، اقتضا می‌کند حقوقی نادیده گرفته شود، و عدالت قربانی سیاست گردد.

آنچه در این قسمت از ویژگیهای قضا در اسلام مورد بررسی است سیاست به معنای دوم است، یعنی سیاست بمعنای رسمی و متداول آن.

یکی از ویژگیهای قضا در اسلام این است که در سیستم حکومتی اسلام، سیاست حاکم بر قضاوت نیست بلکه مسالهٔ دقیقاً به عکس است، به این معنی که در سیستم حکومتی اسلام سرنوشت قضائی و دادرسی کشور را جریانهای سیاسی حاکم تعیین نمی‌کنند بلکه سیستم قضائی کشور است که سرنوشت جریانهای سیاسی موجود در جامعه را تعیین می‌نماید.

قبل از هرگونه تفسیر و توضیح در رابطه با عدم حاکمیت سیاست بر قضاوت در حکومت اسلامی، تذکر این نکته ضروری است که واژهٔ سیاست دو معنا دارد، یکی معنای حقیقی متروک، و دیگری معنای رسمی متداول.

معنای حقیقی واژهٔ سیاست که متروک است عبارت است از تدبیر و مدیریت صحیح برای اداره کردن جامعه. سیاست به این معنا نه تنها از دیدگاه اسلام با عدالت منافاتی



جهان هم همین بوده، شما در کجای دنیا سراغ دارید که یک قاضی جرات داشته باشد که بر خلاف آنچه سیاست حکومت اقتضای دارد، رای بدهد، و یا اگر رای داد، رای او قابل اجرا باشد؟  
 و لذا استقلال قوه قضائیه در سیستم حکومتیهای موجود مانند سازمانهای حقوق بشر، نه تنها فاقد محتوا است، بلکه محتوای آن ضد مدلول آن است!

### عدالت به قیمت نابودی حکومت!

ولی در اسلام سیاست، حاکم بر قضاوت نیست، و سرنوشت قضاوت و اجرای حق و عدالت را سیاست تعیین نمی‌کند. در سیستم حکومتی اسلام معیار قضاوت، احکام و مقررات الهی و حق و عدالت است، نه سیاست و مصلحت حکومت، و لذا آنجا که اجرای احکام الهی و پیاده کردن حق و عدالت با سیاست و مصلحت حکومت، جور نیاید، یعنی حکم الهی و عدالت چیزی را اقتضا کند، و سیاست و مصلحت چیز دیگری را، بی‌تردید در نظام حکومتی اسلام، حکم الهی و عدالت قابل اجرا است هر چند اجرای عدالت به قیمت نابودی حکومت باشد!

پس از اینکه امام علی - علیه السلام - زمام قدرت را به دست گرفت تاکید و اصرار فوق العاده و بی‌نظیر او بر اجرای حق و عدل و احکام اسلام، مصالح سیاسی حکومت وی را تهدید می‌کرد، عدای سیاستمدار مصلحت اندیش که فکر می‌کردند امام مصالح سیاسی حکومت خود را نمی‌داند و با رعایت نمی‌کند، خدمتش رسیدند و از وی خواستند که ولو بطور موقت عدالت را فدای مصلحت و سیاست کند، و حقوق اشراف و افراد پر نفوذ و سرشناس را از بیت المال بیشتر از دیگران نماید، و با امتیازاتی که به این گروه می‌دهد پایه‌های حکومت نویای خود را تثبیت کند، که پسر از تثبیت حکومت و استقرار بر اریکه قدرت، همه‌کاری توان کرد؟! امام که خود از همه دوزو کلک‌های سیاسی بیش از هر کس دیگر با اطلاع بود و به گفته خودش اگر مساله تقوا و آخرت مطرح نبود به مردم نشان می‌داد که هیچ سیاستمداری به گرد او هم نمی‌رسد (۳) در پاسخ این مصلحت‌اندیشان سیاسی که برای نصیحت او آمده بودند پاسخ متقن و زیبایی داد که مشخص کننده منطق حکومتی اسلام در برخورد سیاست و عدالت است. فرمود:

"ا تا مرونی ان اطلب النصر بالجور؟"  
 "والله لا ا فعل، ما طلعت شمس، و  
 لا لاح فی السماء نجم..."

- آیا به من دستور می‌دهید که عدالت را فدای سیاست کنم، و نسبت پایه‌های حکومت و پیروزی را به قیمت ستمگری طلب نمایم؟! بخدا سوگند که چنین نخواهم کرد، و عدالت را قربانی سیاست نخواهم نمود، تا وقتی که

### قضاوت، محکوم سیاست

در سیستم حکومتی غیر الهی سرنوشت قضاوت به دست سیاست است، و بهر شکلی که مصلحت سیاسی حکومت اقتضا کند، محکمه‌ها حکم صادر می‌کنند، مجازات مجرم، یا تبرئه بیگناه وابسته به مصالح سیاسی حکومت است، انتخاب نوع کیفر، شدت و ضعف آن نیز با معیارهای سیاسی است.

کسانی که در دادگاههای نظامی رژیم سابق محاکمه شده‌اند این واقعیت را خوب لمس کرده‌اند که این محکمه‌ها تا چه اندازه محتوا تهی بوده و تا چه اندازه سیاست بر قضاوت حاکمیت داشته است، بادم نمی‌رود که برادر شهید، حجت الاسلام حقانی که در حادثه جانگداز انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به لقاء الله پیوست، نقل می‌کرد که در دادگاه بدوی به جرم ارتباط با فردی که در رابطه با مخالفت با رژیم سابق به سه سال زندان محکوم شده بود، من به دوازده سال محکوم شدم! و وقتی - گویا در دادگاه تجدید نظر - اعتراض کردم که چگونه می‌شود که مجرم اصلی سه سال محکوم شده و من به جرم ارتباط با او دوازده سال؟! بدون این که به این اعتراض پاسخی داده شود، رای دادگاه بدوی تایید شد!، بعد یکی از اعضای دادگاه - یا منشی دادگاه - به من گفت آقا اینها می‌دانند که مساله شما مهم نبوده است و خودشان هم می‌خواستند بشما کمک کنند، ولی نشد.

قضات این بیدادگاهها که هم اکنون در چنگال عدالت قرار دارند و به جرم صادر کردن احکام ظالمانه در دادگاه انقلاب ارتش محاکمه می‌شوند، معترفند که قضاوت آنها تابع سیاست بود و است و آنها مجبور بودند بهر شکلی که از بابان آنها مایل بوده‌اند حکم صادر کنند، راست هم می‌گویند!

آنها اجازه نداشتند که فکر کنند مخالفت کردن با شاه حق است یا باطل؟!، به سود ملت است، یا به زیان ملت؟!، مخالفت با رژیمی که همه چیز یک ملت را دودستی تقدیم اجانب کرده، جرم است یا یک وظیفه الهی و ملی و انسانی؟.

آنها جبرا می‌بایست طبق سلسله مراتب نظامی آنچه دستور می‌رسد اجرا کنند، و آرای قضائی خود را با آنچه سیاست رژیم آمریکائی شاه می‌خواهد منطبق نمایند.

نه تنها در رژیم سابق ایران قوه قضائیه به این شکل اداره می‌شد، بلکه هم اکنون در همه دنیا مساله همین است بودر گذشته



خورشید طلوع می‌کند، و ستاره‌های در آسمان  
ظهور ...!! (۲)

### سه توصیه قضائی

در زمان حکومت عمر در رابطه با قربانی نکردن عدالت در  
پای سیاست امام علی - علیه السلام - توصیه کوتاه و در عین حال  
پرمحتوا و ارزنده‌ای به عمر دارد، می‌فرماید:

"سه مسأله است که اگر بر آنها مواظبت کنی و در حکومت  
خود پیاده نمائی برای اداره کشور بر اساس موازین اسلامی و  
تشبیه حکومت حق و عدل از دست بازیدن بهر چیز دیگر سو را  
بی‌نیاز می‌کند، و اگر این مسائل را رعایت نکنی هیچ چیز دیگری  
نمی‌تواند برای تو مفید باشد و جایگزین این اصول گردد، این سه  
اصل عبارتند از:

"اقامه الحدود علی القریب" و

"البعید، والحکم بكتاب الله"

"فی الرضا والسخط، والقسم"

"بالعدل بین الاحمر والاسود."

- اجرای حدود الهی چه در مورد آنها که با

تو نزد یکدیگر و چه در مورد آنها که از تو دورند،

و حکم کردن بر اساس کتاب خدا چه در مورد

کسی که از او راضی هستی و در حال رضا، و

چه در مورد کسی که از او خشمگین هستی و در

حال غضب، و تقسیم عادلانه امکانات میان

سرخ پوست و سفید پوست.

عمر که از این توصیه امام خرسند بنظر می‌رسید با این جمله

از امام تشکر کرد که:

"لقد اوجزت و ابلغت"

- سخنان شما کوتاه و در عین حال بسیار

پرمحتوا و رسا و ارزنده بود. (۵)

از دیدگاه اسلام قربانی کردن عدالت در پای سیاست هر

چند برای مدتی محدود و به طور موقت برای تشبیه حکومت مفید

باشد ولی در درازمدت پایه‌های حکومت راست می‌گردد و فرو می‌ریزد.  
در حدیث است که روزی زنی را نزد پیامبر اسلام آوردند که  
دزدی کرده بود ولی مصالح سیاسی حکومت اقتضا می‌کرد که حد  
سرتق بر او جاری نشود زیرا او زنی سرشناس و با نفوذ و از اشراف  
و بزرگان عرب بود، پیامبر بدون در نظر گرفتن مصالح سیاسی  
دستور داد دست او را قطع کنند.

عده‌ای از قریش برای شفاعت و جلوگیری از اجرای حد سرتق  
در مورد آن زن نزد پیامبر آمدند و گفتند که: یا رسول الله " شما  
ملاحظه مسائل سیاسی را نمی‌کنید" و دستور می‌دهید که بخاطر  
مالی اندک و بی‌ارزش، دست زن بزرگ و با شخصیتی مانند فلانی  
را قطع کنند؟

پیامبر فرمود: آری!، همانا بنی اسرائیل برای آن هلاک و  
نابود شدند که حدود الهی را برضعا و افراد بی‌نام و نشان و نا-  
توان جاری می‌کردند، ولی در مورد افراد توانا و اشراف و آنها که  
در جامعه نفوذ داشتند و اجرای حدود در مورد آنها از نظر  
سیاسی مصلحت نبود " حدود الهی جاری نمی‌شد، و بدسخن دیگر  
در سیستم قضائی آنها سیاست بر عدالت حاکم بود، و محاکم آنها

ضعیف گشت. (۶)

### حاکمیت عدالت بر سیاست

### در جمهوری اسلامی ایران

خدای را سپاس که اگر در عصر حکومت پیامبر اسلام (ص)  
و امام علی (ع) نبودیم که بدور از همه بازیگری‌های سیاسی  
فرشته عدالت را مشاهده کنیم، در زمانی هستیم که پس از قریب  
چهارده قرن، منطق و سیره آن بزرگترین آیات الهی را در حکومت  
فرزند بحق او و سیره رهبران انقلاب اسلامی ایران ملاحظه می‌نمائیم.

در سیستم حکومتی اسلام، سر نوشت قضائی کشور را جریانهای

سیاسی تعیین نمی‌کنند، بلکه سیستم قضائی کشور است که جریانهای

سیاسی را تعیین می‌نماید



اینجانب که مسئولیت محاکمه او را بعهده داشتیم مساله را با امام در میان گذاشتم و عرض کردم که از شما نقل شد که مایل به صدور حکم اعدام برای او نیستند؟  
 امام فرمودند که اگر از نظر شرعی امکان داشته باشد مایلم که به وی تخفیف داده شود.

( بنظر اینجانب این تمایل بدان جهت بود که تا آنجا که مصالح سیاسی اجتماعی با حکم شرعی منافات نداشته باشد رعایت آن بلامانع و در شرائطی لازم است ، و آنچه اینجانب در برخورد های مختلف از نظریه امام در رابطه با کیفر مجرمین بدست آورده ام این است که ایشان در تمام مواردی که از نظر شرعی امکان داشته باشد بمجرم تخفیف داد ، مایل هستند که قضات شرع در کیفر مجرمین تخفیف بدهند . )

ولی پس از اینکه قسمتی از جرائم قطب زاده و اعترافاتش را برای امام توضیح دادم و گفتم که او در زندان هم معتقد است که باید از راه نظامی به حیات جمهوری اسلامی خاتمه داد (۷) ایشان فرمودند اگر چنین است " حکمش قتل است " .

حال رادیوهای مزدور ، و قلم بیزدهای بیگانه ، و جیره - خواران آمریکا هر چه می خواهند بگویند و بنویسند و تحلیل بدهند تاریخ به یک چنین انسان نمونه و رهبری نستوه افتخار میکند که تنها به عدالت می اندیشد و از هر گونه بازیگری سیاسی بدور است . و ملت مسلمان ایران به چنین ابرمردی افتخار می کنند که تنها به اسلام می اندیشد و بس ، و خواستار اجرای حدود الهی بطور مساوی بر قوی و ضعیف و با نام و بی نام است .

و آری خدای را شکر که ما را در زمانی قرار داد که عدالت و قضاوت محمد و علی - صلوات الله علیهما - را در خلف بحق آنها متجلی می بینیم ، و حاکمیت قضاوت بر سیاست در اسلام را ، احسان می نمائیم .

### ادامه دارد

- ۱- ملاک السیاسة العدل / خیر السیاسات العدل ( میزان - الحکمة ) واژه " العدل " . باب " العدل افضل السیاسین " .
- ۲- لولائتقی لکت ادهی العرب / بحار الانوار ، ج ۷۷ ص ۲۸۸ / لولان المکروه الخدیعه فی النار لکت امکر العرب / بحار - الانوار ، ج ۷۵ ص ۲۸۵ .
- ۳- امالی مفید ، صفحه ۱۰۴ .
- ۴- بحار الانوار ، جلد ۷۵ ، صفحه ۳۴۹ .
- ۵- مستدرک الوسائل ، جلد ۳ ، صفحه ۲۱۶ .
- ۶- در دادگاه از این عقیده بازگشت ، و اظهار ندامت و توبه نمود .

و اگر خوانندگان گرامی از دور این معنی را دیدماند ، نگارنده به تناسب مسئولیتی که در این حکومت دارد از نزدیک ، و نه یکبار بلکه بارها مشاهده کرده است .

در اینجا برای نمونه یکی از موارد برخورد سیاست و عدالت و حکم الهی و مصلحت سیاسی را که خود از نزدیک در جریان آن بودام و موضعگیری امام است را در آن رابطه دیدام ، برای شما تعریف می کنم .

کدام سیاستمدار است که نداند اعدام قطب زاده از نظر سیاسی - به مفهوم رسمی سیاست - و حداقل از نظر سیاست خارجی به سود جمهوری اسلامی نبود؟! فردی که پس از پیروزی انقلاب همراه امام به ایران آمد و عضو شورای انقلاب شد ، و آخرین ستش قبل از برکناری ، وزارت امور خارجه یعنی حساسترین مسئولیتهای سیاسی در کابینه بود؟! .

پس از اینکه کشف شد که قطب زاده در برابر انقلاب اسلامی و امام موضع گرفته ، و بصف محاربین و منافقین پیوسته ، و نقشه توطئه علیه نظام جمهوری اسلامی به رهبری امام ، و تشکیل جمهوری اسلامی! به رهبری خود و کتک آمریکا را در سر می پیوردد ، و برای اجرای این خیال خام و احمقانه و پیاده کردن این نقشه شوم اقدام نموده است و میلیونها تومان پول خرج کرده ، و نماینده بخارج فرستاده ، و در داخل ، مشغول جلب نظر شخصیت های ناراضی است ، سیستم قضائی کشور و با نظام جمهوری اسلامی بر سر دوراهی بود ، دوراهی سیاست و عدالت ، و دوراهی حکم الهی و مصلحت سیاسی .

سیاست می گفت: اعدام چنین فردی با چنان سابقه ، از نظر سیاسی به سود جمهوری اسلامی نیست ، ولی عدالت می گفت ، چه فرقی هست میان قطب زاده و دیگران ، وقتی در رابطه با کودتای نافرجام نوزده افرادی با جراثمی کمتر از قطب زاده اعدام شده اند چرا قطب زاده اعدام نشود؟! .

حکم الهی طبق نص صریح قرآن کریم اقتضا می کرد که به دلیل موضعگیری در برابر نظام الهی و محاربه با خدا و رسول و تلاش برای فاسد کردن و تباه نمودن جامعه ، قطب زاده اعدام شود ، ولی مصلحت سیاسی اقتضا می کرد که فرد با سابقهای مانند او اعدام نشود .

تعدادی از مسئولین بدون توجه به مسائل قضائی ، بر اساس مصالح سیاسی با اعدام او موافق نبودند .